

نویسنده: اسفند یا رمیر، دکتری

منبع و تاریخ نشر سه شنبه 30 شهریور 1390/

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

تجدید حیات شاخه خراسان داعش برای افغانستان و فراتراز آن چه معنایی دارد؟

What Does IS-K's Resurgence Mean for Afghanistan and Beyond

چگونه حملات اخیر وابسته به دولت اسلامی وضعیت ضد تروریسم را در افغانستان پیچیده می کند . بمب گذاری ماه گذشته در خارج از فرودگاه کابل نشانه ویرانگر از تجدید حیات اخیر دولت اسلامی استان خراسان (IS-K) بود . این گروه قبلاً 77 حمله را در چهار ماه اول سال 2021 انجام داده بود که نسبت به 21 حمله در مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است . این ظرفیت مجدد برای حملات انبوه تلفات می تواند باعث بی ثباتی بیشتر در وضعیت امنیتی افغانستان شود و هم دولت جدید طالبان و هم ایالات متحده را در ایجاد یک کمپین مؤثر برای تضعیف حضور داعش در منطقه با منفعت باقی بگذارد .



یک شبهه نظامی در ولایت ننگرهار در شرق افغانستان، جایی که دولت اسلامی در آن فعال بوده است، در 15 فوریه 2019. (جیم هوئیبروک/نیویورک تایمز)

اسفند یا رمیر از USIP به توضیح ریشه ها و اهداف IS-K، روابط خصمانه آن ها با طالبان، چگونگی تسلط ناگهانی طالبان بر مسیر این گروه و گزینه های سیاست ایالات متحده برای مبارزه با تهدیدات تروریستی در افغانستان پس از خروج نیروهای

خارجی می پردازد .

داعش شاخه خراسان کیست؟ اهداف و تاکتیک های آن چیست؟

(داعش شاخه خراسان) همچنین بانام های IS-KP و ISIS-K نیز شناخته می شود که وابسته به دولت اسلامی در عراق و سوریه (ISIS) در افغانستان است . این گروه در سال 2015 پس از اعلام خلافت داعش در عراق و سوریه ظهور کرد . در آن زمان، اهداف گروه و جغرافیای عملیاتی اعلام شده بسیار گسترده بود . این گروه که از حملات تلفات جمعی علیه غیرنظامیان و دولت ها حمایت می کرد، قصد داشت دولت پاکستان را سرنگون کند، حکومت ایران را به دلیل «پیشگام» شیعیان مجازات کند، و افغانستان را «تصفیه» کند - یعنی هر دو را چه با برکناری طالبان افغانستان به عنوان جنبش اصلی جهادی در افغانستان و مجازات گروه های اقلیت مانند هزاره ها را .

برای این منظور، داعش از گروه شورشی پاکستانی، تحریک طالبان پاکستان، القاعده تضعیف شده در افغانستان و پاکستان و طالبان افغان پس از مردن ملا عمر را به خدمت گرفت . همچنین از اقلیت فرقه ای مهم سلفی ها در شرق افغانستان استفاده کرد و از شبکه های روستایی آنها برای به دست آوردن کنترل ارضی در استان های ننگرهار و کنر استفاده کرد .

در طول سال ها، اهداف IS-K تکامل یافته است زیرا دولت ایالات متحده، دولت سابق افغانستان و طالبان افغانستان همگی کمپین های نظامی علیه آنها به راه انداخته اند . این گروه همچنین با قدرت سیاسی طالبان افغانستان سازگار شده است . حداقل از سال 2017، اولویت های ضد پاکستانی و ضد ایرانی آن توسط یک برنامه گسترده ضد طالبان و ضد اقلیت های مذهبی افغان که به محوریت پلتفرم سیاسی آن تبدیل شده است، پیشی گرفته است . امروز، هدف استراتژیک نهایی داعش، ایجاد یک نظام اسلامی ناب در افغانستان است .

یک سوال تکراری این است که آیا طالبان از IS-K به عنوان پوششی برای خشونت استفاده کرده اند، به ویژه در پیش از تسلط خود در ماه اگست برای مثال، دولت سابق افغانستان استدلال می کرد که داعش و طالبان افغانستان - به ویژه گروه زیرمجموعه آن شبکه حقانی - در حملات خشونت آمیز در شهرها همکاری می کردند، اما دولت ایالات متحده از این ارزیابی حمایت نکرد . اخیراً، رئیس جمهور جو بایدن مشاهده کرد که داعش و طالبان "دشمنان قسم خورده" هستند با زمان ملل همچنین در مورد همسویی استراتژیک عمده بین داعش و طالبان تردید ایجاد کرده است، اما احتمال همکاری محلی بین عناصر این دو گروه را پیشنهاد می کند . برخی از تحلیلگران بر این باورند که

همکاری داعش با جادشدگان طالبان - به ویژه از شبکه حقانی - به این در هم آمیزی کمک می کند .

داعش تا چه اندازه در افغانستان و جامعه جهانی یک تهدید است

از سال 2016 تا 2020، ظرفیت کلی IS-K برای خشونت، انسجام سیاسی و نفوذ سرزمینی با هدف قرار دادن مداوم از سه طرف تضعیف شد: ارتش ایالات متحده، دولت سابق افغانستان و طالبان افغانستان. با این حال، این فشار نتوانست اهداف سیاسی داعش و هدف قرار دادن غیرنظامیان را تعدیل کند .

و از ماه مه 2020، شهاب المهاجر، رهبر کنونی داعش، بر بازسازی توانایی های این گروه با کنار گذاشتن نبردهای سرزمینی و هدف قرار دادن مناطقی شهری کلیدی، مانند کابل، تمرکز کرده است. در نتیجه، به نظر می رسد که گروه دوباره احیا شده است. داعش شاخه خراسان در حال حاضر تمرکز محلی قوی دارد، از جمله علیه حضور دیپلماتیک و توسعه ای باقی مانده جامعه بین المللی در افغانستان. به نظر می رسد این گروه همچنین می خواهد افغان هایی را که با دولت ایالات متحده و سایرین در جامعه بین المللی کار می کردند، هدف قرار دهد. این امر در انفجار انتحاری 26 ماه اگست در فرودگاه کابل که بیش از 170 غیرنظامی و 13 سرباز آمریکایی را کشت، مشهود بود .

جاه طلبی های تروریسم منطقه ای و فراملی داعش نیز نگران کننده است. این گروه دارای کادری از جنگجویان خارجی از جنوب آسیا، خاورمیانه و بخش هایی از اروپا است. علاوه بر این، به نظر می رسد IS-K از نزدیک با دفتر الصادق، گروه داعش برای عملیات های منطقه ای که در افغانستان مستقر است، همکاری می کند .

در نهایت، نشانه هایی وجود دارد که نشان می دهد این گروه حملات فراملی را از افغانستان طراحی کرده است. از سال 2018، سازمان ملل متحد کشف توطئه هایی را در اروپا گزارش کرده است که می توان آنها را به IS-K ردیابی کرد. سال گذشته، دولت آلمان چهار شهروند تاجیکستان را به دلیل توطئه حمله به تأسیسات نظامی ایالات متحده و نا تو متهم کرد. دولت آلمان خاطر نشان می کند که این افراد با رهبران ارشد دولت اسلامی از جمله یکی از رهبران داعش در افغانستان در تماس بودند .

تسلط طالبان و انتقال دولت برای این گروه تروریستی چه معنایی دارد

تسلط طالبان هم فرصت و هم فشار را برای داعش در افغانستان به ارمغان می آورد. در کنار فرصت ها، IS-K می تواند حمایت گروه های اسلام گرای ضد طالبان و سرخورده از طالبان را به دست آورد. در چند سال اخیر، IS-K خود را به عنوان یک جنبش پردکننده طالبان معرفی کرده است و طالبان را به عنوان خواهان متحد شدن با پاکستان و مشتری دولت ایالات متحده معرفی کرده است .

بابازگشت طالبان به قدرت - همکاری با پاکستان و تا حدی با دولت ایالات متحده - این پیام ها می تواند در میان منتقدان سلفی طالبان و همچنین برخی از فرماندهان تندرو

طالبان طنین انداز شود IS-K. همچنین می تواند خشونت را افزایش دهد و به آن اجازه دهد تا خود را به عنوان گروه جهادی جنگجو تر و بی امان در افغانستان متمرکز کند و جهادگران جوان را جذب کند. و آخرین فرصت مهم: پس از تسلط طالبان بر افغانستان، اکثر زندانیان داعش یا آزاد شدند یا توانستند از زندان های مختلف افغانستان فرار کنند - و بسیاری به طور قابل قبولی دوباره به این گروه پیوسته اند.

در میان فشارها، قدرت نظامی طالبان یکی از محدودیت های اصلی داعش است. طالبان علاوه بر توانایی های شورشی خود، نهادهای امنیتی و توانایی های نظامی دولت سابق افغانستان را نیز به ارث برده اند. با تحکیم کنترل طالبان، IS-K همچنین ممکن است در ایجاد همکاری غیرنظامی و صف بندی سیاسی مطلوب در بخش هایی از شرق افغانستان که به دلیل نفوذ عمیق سلفی ها، مساعدترین منطقه برای داعش باقی مانده است، با چالش هایی روبرو شود.

اما مهارت طالبان به عنوان یک بازیگر دولتی و توانایی انجام عملیات یکجانبه علیه داعش نامشخص است. تا سال 2019، حمایت هوایی ایالات متحده - همراه با عملیات نظامی افغانستان - به طالبان کمک کرد تا شاخه خراسان داعش را هدف قرار دهند. این بار آنها باید به تنهایی عمل کنند، حداقل در کوتاه مدت. خیلی به این بستگی دارد که طالبان چقدر سریع مهارت های پلیسی را یاد می گیرند و آیا می توانند عملیات های موثر ضد شورش را انجام دهند.

ایالات متحده و طالبان در گذشته برای مبارزه با داعش با یکدیگر همکاری کرده اند. آیا می توانیم در آینده منتظر هماهنگی مشابه باشیم؟

این یک سوال سیاسی دشوار برای دولت ایالات متحده است. از یک سو، IS-K دارای جاه طلبی های تروریسم منطقه ای و فراملی است، به همین دلیل دولت ایالات متحده علاقه ای پایدار به ردیابی و مهار این گروه دارد. و از آنجایی که طالبان نیز داعش را به عنوان یک دشمن سرسخت می دانند، این امر باعث ایجاد همسویی محدودی از منافع بین ایالات متحده و طالبان می شود.

از سوی دیگر، دولت ایالات متحده به همان اندازه - اگر نگوییم بیشتر - نگران تهدید گروه های تروریستی است که همچنان با طالبان همسو هستند، مانند القاعده. هرگزینه سیاستی باید به این دو منافع رقیب ضد تروریسم ایالات متحده و چگونگی تأثیر یکی بر دیگری توجه داشته باشد.»

همکاری «قبلی ایالات متحده و طالبان علیه داعش، در بهترین حالت، ضمنی بود. گزارش های مطبوعاتی حاکی از آن است که ارتش ایالات متحده بدون هماهنگی با طالبان در سطح سیاسی، از هدف قرار دادن داعش توسط طالبان حمایت می کند. ارتش ایالات متحده ارتباطات رادیویی طالبان را رهگیری می کند تا مشخص کند که طالبان کجا برای هدف قرار دادن داعش به کمک نیاز دارند و بر این اساس کمپین طالبان را هم افزایش می دهد. در آینده، این نوع فعالیت های ناهماهنگ یکی از گزینه های باقی می ماند. با این حال، در شرایط کنونی، طالبان ممکن است به دلیل نقض حاکمیت با آن مخالفت

کنند. دو گزینه دیگر وجود دارد. یک احتمال این است که دولت ایالات متحده با طالبان برای هدف قرار دادن مشترک IS-K از جمله از طریق تبادل اطلاعات در مورد هسته ها و رهبران IS-K همکاری کند. اما دولت ایالات متحده برای اعتماد به طالبان از نظر اطلاعاتی، به ویژه با اعضای ارشد شبکه حقانی که مسئول بخش امنیتی طالبان هستند، مشکل خواهد داشت. چنین همکاری هایی خطر تجزیه طالبان را نیز به همراه خواهد داشت. با توجه به اینکه بسیاری از پایگاه های طالبان تحت هیچ شرایطی نمی خواهند با دولت ایالات متحده علیه هیچ گروه جهادی همکاری کنند، ظهور عملیات مشترک ایالات متحده و طالبان علیه داعش می تواند برای سیاست داخلی طالبان بحث برانگیز باشد.

گزینه دیگر این است که دولت ایالات متحده کاری انجام ندهد و به پویایی های محلی اجازه دهد. طالبان داعش را یک چالش بزرگ می دانند و احتمالاً بدون حمایت یا حمایت آمریکا، نوعی کمپین نظامی علیه داعش انجام می دهند. داعش به نوبه خود برای مبارزه علیه طالبان آماده می شود. این گزینه نیز با خطراتی همراه است. از آنجایی که طالبان تازه وارد مبارزه با شورش شده اند، داعش می تواند دستاوردهایی علیه طالبان داشته باشد که توانایی این گروه را برای طرح تهدیدات در منطقه و فراتر از آن بهبود می بخشد. علاوه بر این، رقابت بین جهادی، خشونت های بیش از حد را تحریک می کند. قابل قبول است که در صورت تشدید جنگ، داعش و القاعده به خشونت فراملی روی آورند تا جایگاه خود را به عنوان جنبش های جهادی پیشرو ثابت کنند. در نهایت، طالبان ممکن است در چنین کارزاری به متحدان ستیزه جوی خود - از جمله القاعده - روی آورند و ظرفیت آن گروه ها را افزایش دهند.

سیاست گذاران ایالات متحده با چشم انداز پیچیده تروریسم در افغانستان با برخی از انتخاب های سخت و مبادلات پیش رو مواجه می شوند.



اسفند یارمیر، دارای سند دکتری

با تقدیم احترامات «2021-11-03»
